

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

فصل دوم: صیغه امر (هیئت افعَل)

در فصل دوم از مقصد اوامر، راجع به صیغه امر بحث می‌کند. مراد از صیغه أمر، صیغه اِفْعَل و آن‌چه که در معنای صیغه اِفْعَل است - از اسماء افعال که دلالت بر امر دارند - می‌باشد که در این فصل از وجوه مختلفی راجع به آن بحث می‌کنیم.

مبحث اول: معانی صیغه امر

آیا صیغه أمر، موضوع له‌اش چیست؟ معنای حقیقی صیغه امر چیست؟

وقتی که به موارد استعمال مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که صیغه امر در معانی مختلفی استعمال شده است و دیگران گفته‌اند: در حدود 15 معنا صیغه امر در آن استعمال شده است. گاهی در طلب و گاهی در کراهت، گاهی در تمنی و ترجی و ... استعمال شده است.

مرحوم آخوند می‌فرمایند: وهو كما ترى، یعنی: ما نمی‌پذیریم که صیغه امر در این معانی استعمال شده باشد.

اصولی‌های گذشته از قبل از شیخ طوسی و بعد از ایشان، اصل استعمال صیغه امر در این معانی را پذیرفته بودند و حتی استعمال صیغه أمر در این معانی 15 گانه نزد آنها يك مسئله مسلّمی بوده است ولی در کنارش می‌گفتند: اجماع قائم است که تمامی این 15 معنا، معنای حقیقی صیغه امر نیست. ولذا محدود می‌کردند و می‌گفتند: صیغه امر بین 4 یا 5 معنا از این معانی 15 گانه حقیقت است و 4 یا 5 معنا از آنها معنای حقیقی صیغه امر است.

ولی اصولی‌های متأخر از جمله آخوند، اصل استعمال صیغه امر در این 15 معنا را منکر شده و گفته‌اند: استعمال در این 15 معنا محقق نشده است. تحقیق اینها این است که در تمامی این موارد 15 گانه، صیغه امر در يك معنا استعمال شده است و آن «طلب انشایی» است. صیغه امر دارای يك مدلول و يك موضوع له است و آن عبارت است از: «طلب انشایی»، و این 15 مورد نه موضوع له صیغه امر است و نه مستعمل فیه صیغه امر است؛ یعنی حتی در آن‌جا که می‌گویند صیغه امر در تهدید (اعملوا ما شئتم) استعمال شده است، در این موارد هم صیغه امر در طلب انشایی استعمال شده ولی داعی فرق کرده است و استعمال صیغه امر در طلب انشایی به داعی تهدید بوده است.

به عبارت دیگر: تمام این موارد 15 گانه عنوان عامی را دارد.

سؤال: کسی ممکن است بپرسد که ملاک این که این استعمال حقیقی است و استعمال دیگر استعمال مجازی است، چیست؟ چرا آن جا که آمر، طلب واقعی دارد می گویند: استعمال صیغه امر، حقیقت است و آن جا که تهدید و ... است می گویند: استعمال مجازی است؟

جواب: این يك شرط است که واضع کرده است و واضع گفته است: اگر صیغه امر را در طلب انشایی به داعی طلب حقیقی - یعنی: بعث به سوی عمل - استعمال کردید این استعمال، حقیقی است؛ ولی اگر این صیغه را به داعی تهدید یا ... استعمال کردید این استعمال مجازی است.

خلاصه تحقیق آخوند این است که: مرحوم آخوند آن چه را که اصولی های گذشته، به عنوان مستعمل فیه صیغه امر پذیرفته بودند، - یعنی به عنوان موضوع له هم قبول نداشتند و تنها آن معانی را مستعمل فیه می دانستند - ابطال کرد. گذشتگان گفته بودند که صیغه امر در 15 معنا استعمال شده است ولی اینها را هم گفته اند که این 15 معنا موضوع له صیغه امر نیست ولی آخوند می گوید: در تمام این موارد مستعمل فیه همان طلب انشایی است و این موارد 15 گانه عنوان داعی را دارد.

ایقاز: مطلبی است که ربطی به بحث اوامر ندارد.

در صیغ انشائیه غیر طلبیه مثل ترجی، تمنی و استفهام نیز همین مطلبی که در باب صیغه امر بیان کردیم جریان دارد، یعنی: يك وقت است که صیغه استفهام و تمنی را به داعی تمنی حقیقی و استفهام حقیقی استعمال می کنیم و يك وقت به داعی استفهام غیر حقیقی و تمنی غیر حقیقی استعمال می کنیم.

توضیح: در باب استفهام یا تمنی یا ترجی يك وقت است که انسان يك چیزی را تمنی یا ترجی می کند، این جا چون که انسان از آینده اش جاهل است و از شرایط و امکانات خبر ندارد این تمنی و ترجی را می کند ولی می بینیم که این صیغ ترجی و تمنی و استفهام در آیات قرآن و کلام خدا هم واقع شده است مثل: لعلکم تتقون ...

دیگران گفته اند: این صیغ انشایی تمنی و ترجی و استفهام که در کلام خدا استعمال شده است از معنای حقیقی خودش منسلخ است، یعنی: لعلّ و هل ... معنای حقیقی خودشان را ندارند و معنای دیگری را دارند.

آخوند می خواهد این نظریه را باطل کند به این که می فرماید:

این مواردی که در قرآن استعمال شده است در انشاء استعمال شده است، یعنی: لعلّ در ترجی انشایی و هل در استفهام انشایی استعمال شده است. استفهام انشایی، یعنی: متکلم با هل ایجاد استفهام را قصد می کند و با لعلّ ایجاد رجاء را قصد می کند، ولی رجاء و استفهام انشایی. و حال آنکه آنچه که در مورد خداوند محال است رجاء و استفهام حقیقی است؛ زیرا خداوند عالم مطلق است.

نتیجه این که سایر صیغ انشاییه هم برای همان مدالیل انشایی وضع شده است، یعنی:

1- لیت برای تمنی انشایی.

2- لعلّ برای ترجی انشایی.

ولی اختلاف در داعی پیدا می‌کنند، یعنی: يك وقت انسان است که همزه استفهام را بکار می‌برد که به داعی استفهام حقیقی است، ولی در مورد خدا به غیر داعی استفهام حقیقی به کار می‌برد؛ زیرا استفهام حقیقی در مورد خدا محال است و لذا همزه استفهام را گاهی به داعی تقریر یا انکار بکار می‌برد.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ